

اعدام و یا صلح با صلح رحمی

در روزهای اخیر، هموطنان ما در باره اعدام محبوسین طالبان مینویسند، نظر خواهی میکنند و تعدادی هم تشنه بخون طالبان اعدام در محضر عام را پیشنهاد میکنند.

فکر میکنم درباره یک چنین موضوع مهم و سنگین باید با عمق بیشتر توجه نماییم.

اول اینکه :

اگر اعدام ها در محضر عام را دولت و شهروندان تأیید و عملی میسازند، نتیجه آن خواهد بود که به دار آویختن، سنگسار کردن، اعدام کردن در محضر عام دیگر برای دائم در جامعه ما قبول و به رسمیت شناخته خواهد شد. چنین یک عمل زشت، یعنی کشتن انسانها در محضر عام، با عزت و کرامت انسانی در تضاد کامل بوده و تأثیرات ناگواری در روح شهروندان بخصوص اطفال و کودکان بجا میگذارد. در آوان گذشته های قرون وسطی یک چنین عمل کریه بوسیله سلاطین مستبد و جبار برای سرکوبی و مطیع ساختن شهروندان بکار میرفته است. از سوی دیگر چنین عمل، امروز در هیچ کشور جهان منجمله در کشور های اسلامی اجرا نمیشود.

دوم اینکه :

از لحاظ حقوقی و مطابق قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، تنها محکمه اجازه دارد جزای مجرم و صورت تطبیق آنرا تصویب کند. در ماده بیست و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان آمده است :
«هیچ شخص را نمیتوان مجازات نمود مگر به حکم محکم با صلاحیت و مطابق به احکام قانونی که قبل از ارتکاب فعل مورد اتهام نافذ گردیده باشد.»

پس اگر بگذاریم قانون و محکمه بصورت مستقل کارش را انجام دهد، در واقع یک گام مثبت بسوی یک نظام قانون خواهیم برداشت. زندگی زیر نظم قانون یک ستون پایه اساسی نظام جمهوری میباشد. در قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان این موضوع با صراحت درج گردیده است. هیچ فردی و هیچ مقامی بالاتر از قانون نمیتواند عمل کند.
سوم اینکه :

در این چهل سال در کشور ما خون بسیار ریخته شده. باز هم ریختن خون از هر که باشد و بهر شکلی که باشد چه فایده خواهد داشت مگر اینکه فضای نفرت و دشمنی را باز هم تاریک تر بسازد و مردم و کشور افغانستان را هر چه بیشتر بسوی مرداب نابودی بکشاند. برخلاف اگر یک گام شجاعانه بسوی لغو حکم اعدام برداشته میشود، یک برش قطعی با گذشته تاریک بدست خواهد آمد. با این عمل دولت افغانستان به جوانب مخالف تفهیم خواهد کرد که نظام جمهوری یک نظام انسانی است و باید آنرا قبول کرد و با اشتراک مساعی تمام مردم افغانستان به ساختمان آن پرداخت
میدانیم که امروز به هزاران مادر و پدر در غصه شهادت فرزندان خود میسوزند، به هزاران کودک از آغوش پدر و مادر بی نصیب شده و هزاران دیگر معیوب و بی دست پا شده اند، اما ادامه جنگ و کشتار غیر از اینکه به شمار شهیدان و کودکان یتیم و معیوب بیفزاید سود دیگری نخواهد داشت.
امروز اگر محصلی که در پوهنتون کشته میشود و یا عابری که در روی جاده به مین میبرد فرزندان این وطن هستند که به خاک می افتند. و طالبی که وجودش را کامیکاز میسازند هم فرزند افغان بوده که از آغوش پدر و مادرش ربوده و به تروریست میدل میکنند.

بهر صورت ریختن خون، خون ریزی را قطع نمیکند، بالای زخم باید آب سرد انداخت تا خون ریزی قطع شود.

افغانها در نزد جهانیان به یک مردم صلحدوست و انساندوست شهرت داشتند.

امروز باز هم مردم افغانستان مورد آزمایش قرار گرفته اند. یک آزمایش سخت که شجاعت و همت بینهایت بلند میخواید.

سوال اینست که ما افغانها میخوایم در قطار مردمان آزاده و صلحدوست جهان قرار بگیریم. در کنار آنها بیکیه به کرامت و عزت انسانها ارزش میدهند و بخاطر همزیستی در فضای صلح، سعی و کوشش انسانی بخرج میدهند.

ما به یک جهش سترگ تاریخی نیاز داریم تا از این ورطه مرگ که امروز گرفتار آن هستیم نجات یابیم و صلح را در میهن تأمین کنیم.

ادامه جنگ و خونریزی، نه تنها استقلال و تمامیت ارضی میهن ما را به خطر می اندازد، بلکه رسالت دین مبین اسلام را هم زیر سوال میبرد.

میدانیم که از چهل سال بدین سو، جنگ در افغانستان، جنگ میان مردم افغانستان نبوده است. این جنگ خانمانسوز را بیگانگان بخاطر منافع شان در میهن ما براه انداخته اند.

بگذاریم عساکر بیگانگان کشور ما را ترک کنند. ما مردم مسلمان افغانستان خواهیم توانست در فضای صلح و در مطابقت با راهنمایی قرآن عظیم الشان و ارشادات پیغمبر اسلام حضرت محمد (ص) کلیه مسائل داخلی خود را از دریچه علم و معرفت، در جرگه و مشوره حل و فصل نماییم.

دین مقدس اسلام و عنعنات نیک و پسندیدهٔ افغانی ما چون ننواتی و صلہ رحمی بهترین وسایلی را در اختیار ما قرار میدهد تا بتوانیم بوسیلهٔ آن به یک صلح پایدار و دائمی در میهن خود دست یابیم.

چه ضرورت است که بیگانگان صلح را در کشور ما بیاورند. در حالیکه ما افغانها ادعا داریم که تاریخ پنج هزار ساله در پست سرخود داریم و میهن اسلامی ما خدمات بزرگی در راه ترویج دین مقدس اسلام انجام داده و آثار علما و دانشمندان بزرگ چون البیرونی، ابن سینا، مولانای بلخ و صدها عالم و دانشمند دیگر از گنجینه های بزرگ جهان اسلام بشمار میروند.

ما مردم افغانستان همانطوری که همیشه ثابت کرده ایم که قابلیت حراست و دفاع از میهن خود را داریم. امروز باید نشان دهیم که ما درایت و کفایت و اهلیت همزیستی در صلح را هم داریم. که دین مقدس اسلام یک دین صلح، دین برادری و دین عدالت و انصاف است.

به آرزوی آنروزی که جوانان این وطن از میلیونها توغ شهید، بیرق صلح بسازند و آنرا برفراز کوه بابا در اهتزاز درآورند. آنوقت روح همه شهیدان ما شاد و آرام خواهد شد.